

جزوه مسأله‌یابی "جرم‌های از معارف مهدویت" - اسفند 1400

مرگ جاهلی:

رسول خدا(ص) فرمود: «هر کس بمیرد، درحالی که امام زمان خودش را نمی‌شناسد، به مرگ جاهلی مرده است.» از امام حسن عسکری(ع) سؤال شد: ای فرزند رسول خدا! حجت و امام بعد از شما کیست؟ فرمود: پسر من، محمد(1) او امام و حجت بعد از من است. هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است. آگاه باشید برای او غیبتی است که نادانان در آن سرگردان می‌شوند و اهل باطل در آن هلاک می‌گردند و کسانی که برای آن، وقت معین کنند، دروغگویند. مرگ جاهلی، یعنی، مردن بدون شناخت خدا و رسول او. کسی که امام زمان خود را نشناسد، در واقع از گمراهی زمان جاهلیت که خدا و پیغمبر(ص) را نمی‌شناختند، خارج نشده است؛ بنابراین، اگر معرفت خدا و رسول او، به معرفت امام زمان(عج) نینجامد، برای انسان سودی نخواهد داشت و او را دین دار نمی‌کند. شخصی از امام صادق(ع) پرسید: منظور از جاهلیت، جهل مطلق و درباره همه چیز است یا فقط نشناختن امام است؟ آن حضرت فرمود: «جاهلیت، کفر و نفاق و گمراهی است.» پس نتیجه عدم شناخت امام زمان(عج)، کفر و نفاق و گمراهی است. البته ممکن است نشناختن، در اثر عدم بهره‌مندی شخص از معرفی امام زمان(عج) از سوی خدا باشد(بدون اینکه آن شخص کوتاهی در این زمینه کرده باشد). این حالت، ضلال نامیده می‌شود و مرادف با استضعاف است. در این حالت، شخص مقصّر نیست؛ ولی به هر حال از هدایت الهی و دین داری محروم شده است. حالت کفر و نفاق، مربوط به شخصی است که معرفی الهی برایش صورت گرفته؛ ولی او در پذیرفتن آن کوتاهی کرده است. این، دو حالت دارد: یا انکار وعدم تسلیم خود را به صراحت ابراز می‌دارد که کفر نامیده می‌شود یا آن را مخفی می‌دارد که نفاق است. در هر سه صورت، شخص، از مسیر عبودیت خداوند دور افتاده و سرانجام نیک نخواهد داشت؛ پس شناخت و پیروی از امامان معصوم علیهم السلام، نه از باب تعبد که به حکم عقل است؛ چرا که انسان خدانشناس راهی به سوی خدا ندارد، مگر از طریقی که خود خداوند قرار داده است. جز از این راه، نمی‌تواند از رضا و خشم الهی آگاه شود. مراجعه مردم به ائمه اطهار علیهم السلام از باب مراجعه نادان به داناست. این یک حکم عقلی است؛ همچنان که عاقل در امور مادی و دنیایی خود، به دانا و متخصص آن مراجعه می‌کند، در امور معنوی و غیر مادی نیز عقل همین گونه حکم می‌کند.

(1): مهدی یکی از القاب معروف امام زمان(عج) است.

ولادت حضرت مهدی(عج): ولادت آن حضرت از مسلمات تاریخ است و نه تنها مورد قبول دانشمندان و تاریخ نویسان شیعه بلکه مورخان و محدثانی چند از اهل سنت نیز به این حادثه بزرگ تصریح نموده اند.

فلسفه مخفی بودن تولد امام زمان(عج): مهمترین فلسفه غیبت، در امان ماندن آن حضرت از خطر نابودی است به این معنی که اگر یکی از پدران آن حضرت (امامان معصوم قبلی) شهید می شد، حکمت و تدبیر الهی اقتضا می کرد دیگری به جای او نصب شود ولی اگر مهدی(عج) شهید می شد مصلحت و تدبیر امور انسانها اقتضا نمی کرد که امام دیگری به جای او نصب گردد.

فواید امام غائب: از سخنان امامان معصوم علیهم السلام به دست می آید که نه فقط پدید آمدن مجموعه هستی، بلکه دوام آفرینش به واسطه وجود انوار مقدس پیامبر(ص) و اهل بیت علیهم السلام بوده است به گونه ای که استمرار وجود موجودات بدون وجود یکی از آنها غیر ممکن است لذا هر یک از این اولیاء الهی واسطه فیض الهی می باشند که بهره مندی همه آفریده ها از هستی و ادامه وجود، بسته به وجود محب روی زمین است البته این نوع بهره مندی، به پذیرش یا ردّ امام ارتباطی ندارد و خداوند به واسطه وجود امام (ع) تمام موجودات را بهره مند می کند. در فرض عدم این مجاری فیض، باز هم فیاضیت خدا- اگر قصور در پذیرنده فیض نباشد- برقرار است، اما می توان گفت ممکنات، هم آن استعداد را ندارند که بدون واسطه، تلقی فیض کنند و قصور خودشان مانع از کسب فیض مستقیم است. شکی نیست امام غائب نیز مانند امام حاضر، واسطه فیض الهی است. افزون بر بهره های یاد شده، فایده های دیگری هست که البته مشروط به اعتقاد و باور به ایشان است. برخی از فواید این بخش عبارتست از: **1- نگرهبانی از آئین خداوند با هدایت باطنی:** گره گشایی از شیعیان، در دوره غیبت صغری از طریق ارتباط امام با مردم به وسیله نواب خاص و پاسخگویی به پرسشهای آنان از طریق نامه های امام (توقیعات) تحقق یافت ولی در دوران غیبت کبری به صورت هدایت های باطنی صورت می پذیرد؛ به این معنی که طبق اعتقاد شیعه، آن حضرت همواره در هنگامه های حساس و حوادث تعیین کننده، بسان دستی غیبی، اراده های نقش آفرین را در جهت اصلاح امور هدایت می کند و این اصلاحات به طور عمده با هدایت های باطنی صورت می پذیرد؛ هدایت هایی که به وسیله شخص امام و گاهی به وسیله دیگران درباره صالحان و شایستگان انجام می گیرد. امام از راه باطن، بر نفوس افراد اشراف دارد و آنان را مورد هدایت و تربیت خود قرار می دهد. با القا های نیکو یا با نگه داشتن های باطنی، راه برخی از افراد را عوض می کند یا آنها را در راه صحیحی که دارند استوار و ثابت قدم می دارد، گر چه این هدایت از دیدگان پنهان است. چه بسیار افرادی که یکباره از راهی که داشتند، برگشتند و هرگز حاضر نشدند دوباره بدان برگردند و چه بسیار افرادی که در کار خود متزلزل و مردد بودند ولی یکباره در آن مستقر شدند. **2- نگهداشت جامعه از ناامیدی و سرخوردگی:** امام اگر چه غائب، همواره مراقب حال و وضع شیعیان است و نقطه اتکایی است که پیروان خود را در ورطه های نابودی

و ناامیدی در حمایت و پناه خود می گیرد و بسان پناهگاهی مطمئن، پیروان خود را به تلاش و کوشش در راه رشد و تعالی وا می دارد بنابراین، این تلاش و حالت امید و انتظار به آینده ای روشن، از بزرگترین اسباب موفقیت و پیشرفت است و جامعه را از فرو افتادن در ناامیدی در امان خواهد داشت و جامعه شیعی، استواری، پویایی و شادابی خود را مرهون این باورمندی می داند³ - **ایمنی بخش از بلاها:** بخشی از نگرانی های بشر از رخدادهای ناگوار، با کنترل عوامل شناخته شده بر طرف می شود اما فراوانی عوامل ناشناخته و خارج از کنترل، نا امنی هایی را بر زندگی تحمیل می کند. امام مهدی(عج) فرمود: "من سبب ایمنی(از بلاها) برای ساکنان زمین هستم" محب خداوند و امام معصوم، مانع از آن است که مردم به سبب انواع گناهان و مفسداتی که انجام می دهند به عذابهای سخت الهی گرفتار آیند. قرآن کریم می فرماید: "ای رسول ما! تا زمانی که تو در میان ایشان (مسلمانان) هستی خداوند هرگز آنها را به عذاب(عمومی) گرفتار نخواهد کرد"(انفال-33). حضرت مهدی(عج) که نمونه کامل رحمت و مهر پروردگار است نیز به عنایت خاص خود بلاهای بزرگ را - به ویژه از جامعه شیعیان و فرد فرد آنها- دور می کند گر چه در بسیاری از موارد، شیعیان به لطف و کرامت او توجه نداشته باشند و دست یاری گر او را بر سر خود نشناسند.⁴ - **ایجاد پروای الهی در پرتو باور وجود امام زنده در جامعه:** از روایات اسلامی به دست می آید که در دوران غیبت مهدی(عج) و در زمان های معینی، اعمال انسان ها بر آن حضرت عرضه می شود. امام رضا(ع) در پاسخ به درخواست یکی از یارانش که از حضرت خواست برای او و اهل بیتش دعا کند فرمود: "مگر چنین نمی کنم؟! به خدا سوگند اعمال شما در هر روز و شب بر من عرضه می شود" و وقتی شگفتی آن شخص را از این سخن مشاهده کرد، در ادامه فرمود: "مگر کتاب خدا را نخوانده ای که فرمود: "و بگو هر کار می خواهید انجام دهید، پس به یقین خداوند، پیامبرش و مؤمنان، عملتان را می بیند(توبه-105) به خدا سوگند مقصود از مؤمن (علی بن ابی طالب) است". این آگاهی، آثار تربیتی فراوانی دارد که علاوه بر خداوند، پیامبران و فرشتگان، امامی معصوم نیز وجود دارد که اعمال او بر وی عرضه می شود. ⁵ - **یاری برخی نیازمندان:** جدای از اینکه در همه حالت ها، خود آن حضرت به یاری استمدادکنندگان می آید و یا اینکه ملازمان و اولیای او نیز به امر ایشان چنین می کنند و اینکه یاری شدن توسط آن حضرت، همراه ملاقات باشد یا نه؛ شکی نیست که در طول تاریخ غیبت، انسان های بسیاری به دست آن حضرت یا اراده ایشان از سختی ها و مشکلات نجات یافته اند. ⁶ - **دعای خیر حضرت در حق مؤمنان:** شکی نیست که امام معصوم (ع) از هر پدر و مادری مهربان تر است و در همه حال، خوبی بندگان خدا-به ویژه مؤمنان- را می خواهد، از این رو همواره برای موفقیت آنها و نیز دوری مصیبت ها و مشکلات از آنها، دعا می کند. این هم در موارد فراوانی رخ داده است.

امکان ملاقات با حضرت مهدی: شکی نیست در دوران غیبت صغری که بخشی از دوران غیبت آن حضرت است، برخی از شیعیان - به ویژه نایبان خاص -، آن حضرت را ملاقات کرده اند اما در مورد غیبت کبری چهار دیدگاه متفاوت وجود دارد که خلاصه دیدگاه اول و دوم این است که آن حضرت، از نگاه عموم مردم پنهان است و اگر اراده کند کسی آن حضرت را ببیند آن حضرت را نخواهد شناخت. در دیدگاه سوم، نه فقط امکان و وقوع ملاقات، مورد پذیرش است بلکه ملاقات همراه با شناخت آن حضرت نیز پذیرفته شده است اما آنچه مورد انکار است این که ملاقات کننده حق ندارد مشاهده خود را برای دیگران نقل نماید و ادعای ملاقات نماید و هر یک از شیعیان حال خودش را می داند و راهی نیست برای آگاهی به حال دیگران. در این دیدگاه مدعی ملاقات، چه به ادعای خود اطمینان داشته باشد یا به دروغ ادعایی را مطرح کند یا بپندارد که ادعایش حق است در هر حالت ادعایش مردود و قابل انکار است و چنین شخصی دروغگوست. در دیدگاه چهارم که بین دانشمندان متأخر شیعه شهرت بیشتری یافته است هم امکان و وقوع ملاقات مورد پذیرش است و هم شناخت آن حضرت هنگام ملاقات و همچنین ادعای ملاقات این گروه از دانشمندان چنین می گویند که چگونه ممکن است این همه ادعای ملاقات با حضرت مهدی (عج) که در بسیاری از کتب، داستان های گوناگون آن نقل شده است، دروغ باشد! نتیجه اینکه ملاقات حضرت فضیلت بزرگی است اما آنچه مهم تر است، شناخت و معرفت آن بزرگوار و عمل به دستورهایی است که رضایت خداوند و آن حضرت را در پی دارد. فراموش نشود کم نبودند افرادی که همواره در زمان پیامبر و امامان علیهم السلام با آن بزرگواران دیدار می کردند، اما بهره معرفتی چندانی از آن ملاقات ها نمی بردند و گاهی هم مورد خشم و غضب ایشان واقع می شدند.

اهمیت دیدن امام زمان (عج):

از شیخ بهلول پرسیدند که چه وقت می شود به حضور آقا امام زمان، ارواحنا فداه، مشرف شد؟

فرمودند: با تقوا باشید؛ وقتی که بین شما و حضرت سنجیت باشد.

سپس فرمودند: دیدن امام زمان، روحی فداه، مهم نیست، مهم این است که او ما را ببیند. خیلی ها هم علی علیه السلام را دیدند اما دشمن او شدند. اگر کاری کردیم که نظر آنها را جلب کنیم، آن ارزش دارد.

آیه الله امجد در مورد شیخ بهلول فرمودند:

ایشان یک انسان وارسته ای است، توکل عجیبی دارد، او یک انسان عتیقه است، چرا که عتیقه جات، معمولاً کمیاب و قیمتی هستند، او هم کمیاب است و هم قیمتی.

دعای افتتاح از دعاهای شب های ماه رمضان صادر شده از ناحیه مقدسه:

این دعا به وسیله دومین نایب خاص حضرت مهدی-محمد بن عثمان-از طرف آن حضرت صادر شده است. آن حضرت به شیعیان نوشتند: "در هر شب ماه رمضان این دعا را بخوانید که دعای این ماه را ملائکه می شنوند و برای صاحبش استغفار می کنند.

نُواب خاص (رهبران جامعه از سوی امام غایب در غیبت صغری): در غیبت صغری چهارسفر یا نایب خاص، به ترتیب به نام های عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی، علی بن محمد سمري درخواست های مردم را به حضرت مهدی(عج) و نیز نامه ها و توقیعات آن حضرت را به مردم می رساندند و خود به زیارت ایشان نایل می شدند. ارتباط شیعیان بانُواب خاص در دوره های نخست، به طور عمده به واسطه وکیلان بود؛ به این صورت که مردم، خواسته های خود را با وکیلان در میان می گذاشتند یا وجوهای شرعی خود را به آنان می پرداختند. وکیلان نیز آنها را به سفیر و نایب امام(عج) منتقل می کردند و با واسطه سفیر، از ناحیه مقدسه، پاسخ پرسش های خود را می گرفتند. با روشن شدن جایگاه نُواب خاص، برخی شیعیان به صورت پنهانی توانستند به طور مستقیم با آنان تماس برقرار کنند. این کار، به طور عمده از زمان دومین نایب آغاز شد و ادامه یافت. وظایف نایبان خاص عبارت بود از: 1) برطرف کردن تردید شیعیان درباره حضرت مهدی(عج) 2) پنهان نگهداشتن مکان حضرت مهدی(عج) 3) پاسخگویی به پرسش های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی 4) سازماندهی وکیل های حضرت: این تشکیلات به طور رسمی از زمان امام کاظم (ع) شکل گرفت و در زمان امام عصر(عج) به اوج خود رسید و هدف اصلی از ایجاد آن، آماده کردن هرچه بیشتر مردم برای تحمل دوران غیبت حضرت مهدی(عج) از طریق تمرکز کردن ارتباط مستقیم امام معصوم(ع) با مردم بود به گونه ای که عصر غیبت، این تماس با امام زمان قطع شد و محور ارتباط وکیلان با امام، نایب خاص آن حضرت بود. 5) آماده کردن شیعیان برای غیبت کبری 6) رهبری دوستداران و طرفداران امام زمان(عج) و حفظ مصالح اجتماعی شیعیان. 7) جلوگیری از فرقه گرایی شیعیان 8) مبارزه با مدعیان دروغین نیابت یکی از مسئولیت های مهم نایبان خاص بود، که این مبارزه به طور عمده، با هدایت های امام-باصدور توقیقات از طرف آن حضرت- صورت می گرفت. 9) گرفتن اموال متعلق به امام و مصرف آن در موارد لازم.

برخی از حکمت های ظاهری غیبت:

1- حفظ جان ایشان از گزند بدخواهان و ستمگران: چون ایشان آخرین ذخیره الهی در زمین است و حاکمیت جهانی فقط به دست ایشان تحقق می یابد، بنابراین خداوند به هر وسیله ممکن، ایشان را تا روز موعود محافظت می نماید.

2- **آزمایش انسانها:** با اینکه این آزمایش به دلیل عدم حضور ظاهری امام، مشکل و طاقت فرسات ولی در تکامل روحی انسانها نقش بسیار مهم و موثری دارد. با این آزمایش مشخص می شود که چه کسی ثابت قدم و استوار، و چه کسی در ایمان و اعتقاد به آن حضرت، سست و مردّد است.

3- **آزادگی از بیعت دیگران:** حضرت قائم(عج) در این رابطه فرمود: «خداوند در قرآن کریم می فرماید: "ای اهل ایمان! از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما روشن شود، ناراحت می شوید." (مائده-101) بدانید هر کدام از پدران من، بیعت یکی از طاغوت‌های زمان خویش را بر گردن داشتند؛ ولی من هنگامی که قیام می کنم، بیعت هیچ یک از گردنکشان و طاغوت‌های زمان را بر گردن ندارم.»

4- **تأدیب انسانها:** انسانها در زمان زندگی امامان پیشین ، آنگونه که شایسته بود از ایشان حمایت نکردند. گاهی با برخوردهای ناشایست، سبب محروم شدن جامعه از فیض آنها می شدند. بنابراین غیبت آخرین حجّت خداوند، نماد خشم خداوند بر زمینیان است. علاوه بر موارد یاد شده، به مواردی همچون: تربیت انسانهای مناسب برای قیام و حکومت جهانی و ایجاد اشتیاق جهانی برای حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) اشاره شده است. البته حکمت‌های اساسی غیبت آنحضرت، پس از ظهور ایشان آشکار خواهد شد.

غیبت آن حضرت بر دو قسم است: صغری و کبری.

غیبت صغری آنحضرت که برخی آنرا از زمان ولادت ایشان و برخی از شهادت امام حسن عسکری(ع) دانسته اند که مدت 69 سال و چند ماه به طول انجامید. همان طور که بیان شد، در این دوره حضرت به واسطه چهار نفر از نایبان خاص خود به نامهای عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمري با شیعیان در ارتباط بوده و امور(مالی، عقیدتی، فقهی) آنان را سرو سامان می دادند. این افراد با وکلای حضرت در دورترین نقاط شهرهای اسلامی در تماس بوده و پرسشها و نامه های مردم را به محضر مقدس ایشان می رساندند و در پاسخ، تویعاتی از طرف آن حضرت صادر می شد. غیبت صغری زمینه ای شد که مردم به تدریج با غیبت کبری خو بگیرند و خود را برای آن آماده سازند. و این طور تصور نکنند که به رهبر فکری و معنوی خود دسترسی ندارند و در نتیجه دچار تفرقه شوند.

غیبت کبری با درگذشت آخرین نایب حضرت شروع شد و تا فرارسیدن روز ظهور آن حضرت ادامه دارد. طولانی بودن ، نامشخص بودن پایان آن ، قطع ارتباط ظاهری با امام زمان(عج) شبیه آنچه در غیبت صغری وجود داشت ، عام بودن نیابت (که مجتهدان جامع شرایط در جایگاه نایب عام، وظیفه اداره جامعه را به عهده دارند.)، فراگیر شدن حاکمیت ستم و جور در زمین(که هرچه به ظهور نزدیک می شویم شدیدتر می شود) ، شدت یافتن آزمایشهای الهی که در این رابطه امام علی(ع) می فرمایند: «... هر کس در زمان غیبت

او، بر دین خویش ثابت قدم بماند، و در طول مدت ناپیدایی قائم ما، سنگدل نشده باشد، در بهشت با من و در درجه من خواهد بود.»

انتظار فرج (امید به گشایش عمومی):

انتظار در اصطلاح مهدویت به معنای چشم به راه بودن ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر گیتی است که هرچه شعله انتظار، فروزانتر باشد، تحرک و پویایی انسان و در نتیجه آمادگی او نیز بیشتر خواهد شد. برآستی چرا یک منتظر واقعی، فرج آنحضرت را انتظار می کشد؟ زیرا:

1- نه تنها به وضع خود و جامعه بشری به سبب محروم بودنشان از نعمت حضور ظاهری امام معصوم(عج) راضی و قانع نیست، بلکه این موضوع او را آزار می دهد و سعی می کند همه عواملی را که باعث غیبت آن حضرت شده است را در حد توان، برطرف کند.

2- انسان فطرتاً کمال طلب است لذا به امید دستیابی به وضع مطلوب، فرج آن حضرت را انتظار می کشد.

3- حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرار گرفتن در وضع مطلوب، که در نتیجه او را از حالت رکود و خمودگی برحذر داشته و به تلاش در راه رسیدن به وضع مطلوب وا می دارد که اگر بنا به دلایلی، به وضع مطلوب هم نرسد، به دلیل اهتمام و سعی او، خداوند پاداش کسانی را که آن مرحله را درک می کنند به او خواهد داد. هر قدر آگاهی شخص به ظهور امام(عج) عمیق تر باشد، انتظارش هم به آن بیشتر خواهد شد. رسول اکرم(ص) فرمودند: قیامت برپا نمی شود، تا این که قیام کننده ای به حق از خاندان ما قیام کند و این، هنگامی است که خداوند به او اجازه فرماید. هر کس از او پیروی کند، نجات می یابد و هر کس از او سرپیچی کند، هلاک خواهد شد.

فضیلت انتظار فرج:

انتظار فرج به معنای عام: آموزه های دینی افزون بر بیان فضیلت "گشایش عمومی" و امید به آینده، نومییدی را نکوهش کرده و از ورود جوامع به آن جلوگیری می کند. و از آن با بلندترین عنوان ها و شگفت انگیزترین ارزش ها یاد نموده است. پیامبر(ص) فرمود: برترین عبادت، انتظار فرج است. همچنین فرمود: برترین جهاد امت من، انتظار گشایش است. از این نوع روایات نیز به خوبی روشن می شود که انتظار، از نوع عمل است.

انتظار فرج به معنای خاص: یعنی چشم به راه بودن آینده ای با تمام ویژگی های یک جامعه مورد رضایت خداوند است. که مصداق آن دوران حاکمیت ولی عصر(عج) می باشد. از امام صادق(ع) سؤال شد: «چه می فرمایید درباره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حکومت حق را می کشد و در این حال از دنیا می رود؟» حضرت فرمود: «او، همانند کسی است که با حضرت قائم در خیمه او باشد.» سپس کمی سکوت کرد و فرمود: «مانند کسی است که با پیامبر(ص) در مبارزاتش همراه بوده است.» لذا انتظاری درست و سازنده است که تحرک بخش و تعهد آور باشد. در این انتظار یک فرد مسلمان نمی تواند به دلیل انتظار به ظهور، از وظایف مسلم خویش مانند شناسایی دین از راه صحیح، یاری حق، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، دست بکشد یا کوتاه بیاید. سستی به وظایف دین و بی تفاوتی به آن، به هیچ وجه جایز نیست. پیامبر(ص) فرمود: «همه شما رهبر یکدیگر و در راه اصلاح هم، مسؤول هستید.» و انتظاری نادرست و ویرانگر است که نوعی اباحی گری باشد بدین معنی که شخص گمان کند که برای تسریع در ظهور حضرت قائم (عج) باید به گسترش ظلم و تبعیض و... دامن زد زیرا در آن صورت زمانی خواهد رسید که صلاح به نقطه صفر برسد و حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد و باطل یگانه تاز میدان گردد که در نتیجه انفجاری رخ خواهد داد و دست غیب خداوندی برای نجات حقیقت، نه اهل حقیقت، از آستین بیرون می آید و ظهور، اتفاق می افتد. این نوع انتظار، به از بین رفتن حدود و مقررات اسلامی منجر می شود و به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی هماهنگی ندارد. (1)

آثار انتظار فرج:

منتظر واقعی به همه شرایط انتظار پایبند است و وظایف آن را بخوبی انجام می دهد در نتیجه آثار تربیتی به شرح ذیل برای وی پدید خواهد آمد:

گسترش امیدهای راستین: امید به آینده ای که به مراتب عالی تر، زیباتر و بهتر از امروز باشد، گذران زندگی و پذیرش دشواریها را برای انسان آسانتر می کند.

پویایی و نشاط: زندگی انسان آن زمان قابل توجیه است که آثار پویایی و نشاط در زوایای آن به چشم خورد. زمانی که انسان از وضعیت موجود راضی نیست و در صدد انتظار شرایطی بهتر است، در انتظار به سر می برد.

وحدت و همگرایی: انتظار باعث انسجام و همدلی بین منتظران می شود. در جامعه شیعی این همدلی به سبب وجود هدف مشترک انتظار ظهور مردی از سلاله پاک رسول الله می باشد.

(1): - برداشت بعضی از انقلاب مهدی(عج) به اشتباه، انقلابی است علیه گسترش ظلمها، تبعیض ها، اختناق ها، حق کشی ها و تباهی ها آن هم در زمانی که جز نیروی باطل، هیچ نیروی حکومت نکند و صالحی وجود نداشته باشد. در این صورت دست غیب برای نجات حقیقت از آستین بیرون می آید و ظهور، اتفاق می افتد.

احساس حضور: احساس حضور در محضر امام غایب و احساس حضور امام در زندگی، تأثیر بسزایی در اصلاح رفتار افراد و جامعه دارد.

آمادگی همه جانبه: انتظار مصلح جهانی به معنای آماده باش کامل فکری، اخلاقی، مادی، معنوی برای اصلاح همه جهان و پایان دادن به ظلم ها و نابسامانی ها است.

مراقبت اجتماعی: منتظران واقعی علاوه بر مراقبت از حال خویش، وظیفه دارند در اصلاح دیگران نیز بکوشند زیرا برنامه ظهور یک برنامه فردی نیست.

آینده جهان:

ما به دلیل اینکه مؤمن و مسلمانییم و در عمق ضمیرمان این اصل وجود دارد که: "جهان را صاحبی باشد خدا نام" هر چه در دنیا پیشامدهائی می شود هرگز احساس خطر عظیم، خطری که احیانا بشریت را نیست و نابود کند و کره زمین را تبدیل به توده خاکستر کند و زحمات چند هزار ساله بشریت را کأن لم یکن نماید نمی کنیم. در ته دل خودمان باور داریم که سال های سال، قرن ها، شاید میلیون ها سال دیگر، در روی این زمین زندگی و حیات موج خواهد زد. تعلیمات انبیاء نوعی امنیت و اطمینان خاطر به ما داده است و در واقع در ته قلب خود، به مدد های غیبی ایمان و اتکا داریم. به ما اگر بگویند یک ستاره عظیم در فضا در حرکت است و تا شش ماه دیگر به مدار زمین می رسد و با زمین ما برخورد می کند و در یک لحظه زمین ما به یک توده خاکستر تبدیل می شود باز هم با همه ایمان و اعتقادی که به پیش بینی های دانشمندان داریم به خود ترس راه نمی دهیم، در ته دلمان یک نوع ایمان و اطمینانی هست که بنا نیست بوستان بشریت که تازه شکفته است در اثر باد حوادث ویران گردد. آری همان طوری که باور نمی کنیم زمین ما به وسیله یک ستاره، یک حادثه جوی نیست و نابود شود، باور نمی کنیم که بشریت به دست خود بشر و به وسیله نیروهای مخربی که به دست بشر ساخته شده منهدم گردد. آری ما به حکم یک الهام معنوی که از مکتب انبیاء گرفته ایم باور نمی کنیم. دیگران چطور؟ آیا آنها هم باور نمی کنند؟ آیا همین اطمینان و خوشبینی

نسبت به آینده انسان و زمین و زندگی و تمدن و خوشبختی و بهروزی و عدالت و آزادی در آنها وجود دارد ؟ ابدأ .

اگر از آن درسی که دین به ما آموخته صرف نظر کنیم و ایمان به مددهای غیبی را از دست بدهیم و تنها براساس علل ظاهری حکم کنیم باید به آنها حق بدهیم که بدبین باشند . چرا بدبین نباشند ؟ در دنیائی که سرنوشتش بستگی پیدا کرده به دکمه‌ای که انسانی فشار دهد و پشت سرش وسائل مخرب که قدرت آنها را خدا می داند، بکار بیافتد ، در دنیائی که به راستی، بر روی انباری از باروت قرار گرفته و جرقه‌ای کافی است که یک حریق جهانی به وجود بیاورد ، چه جای خوشبینی به آینده است ؟ انصافا اگر بر اساس علل مادی و ظاهری قضاوت کنیم، این بدبینی‌ها بسیار بجا است . فقط یک ایمان معنوی ، ایمان به " امدادهای غیبی " و اینکه جهان را صاحبی باشد خدا نام لازم است که این بدبینی‌ها را زایل و تبدیل به خوشبینی کند و بگوید بر عکس ، سعادت بشریت ، رفاه و کمال بشریت ، زندگی انسانی و زندگی مقرون به عدل و آزادی و امن و خوشی بشر ، در آینده است و انتظار بشر را می کشد . اگر این بدبینی را بپذیریم واقعا مسأله، صورت عجیب و مضحکی به خود می گیرد ، مَثَل بشر مَثَل طفلی می شود که در اولین لحظه‌ای که قادر می شود چاقو بدست بگیرد آن را به شکم خود میزند ، خودکشی می کند و کوچکترین حظی از وجود خود نمی برد . اگر بنا باشد که انسان به همین زودی با مهارت شگرف علمی خود ، خود را نابود کند و اگر واقعا انسان با قدرت علمی خود، گور خود را به دست خود کنده باشد و چند گامی بیشتر تا گور خود فاصله نداشته باشد، اگر واقعا چنین خودکشی اجتماعی در انتظار بشر باشد، باید بگوئیم خلقت این موجود بسی بیهوده و عبث بوده است . آری یک نفر مادی مسلک، می تواند این چنین فکر کند ولی یک نفر تربیت شده در مکتب الهی، این طور فکر نمی کند ، او می گوید : ممکن نیست که جهان به دست چند نفر دیوانه ویران شود ، او می گوید درست است که جهان بر سر پیچ خطر قرار گرفته است ولی خداوند همان طور که در گذشته البته در شعاع کوچکتری این معجزه را نشان داده ، بر سر پیچ های خطر، بشر را یاری کرده و از آستین غیب، مُصلح و مُنجی رسانده است ، در این شرائط نیز چنان خواهد کرد که عقلا در حیرت فرو رود . خیر ، عمر جهان به پایان نرسیده است ، هنوز اول کار است ، دولتی مقرون به عدل و عقل و حکمت و خیر و سعادت و سلامت و

امنیت و رفاه و آسایش و وحدت عمومی و جهانی در انتظار بشریت است ، دولتی که در آن دولت، حکومت با صالحین است و انتخاب اصلح به معنی واقعی در آن صورت خواهد گرفت . روز بهروزی خواهد رسید " « و اشرف الارض بنور رهبا »" . روزی که در آن روز به عدالت حکم شود و ستم برای همیشه رخت بریندد ، راهها امن گردد ، زمین برکات و استعدادهای خود را ظاهر گرداند و حداکثر استفاده از منابع و خیرات زمین صورت گیرد ، فقیری پیدا نشود که مردم صدقات و زکوات خود را به او بدهند و این است معنی سخن خدا : عاقبت از آن متقیان است . به جای اینکه مایوسانه بنشینیم و بگوئیم کار بشر تمام شده و بشر به دست خود ، گور خود را کنده و چند گامی بیشتر با آن فاصله ندارد و روزهای خوش بشر دارد به پایان می‌رسد ، می‌گوئیم: باش تا صبح دولتت بدمد کاین هنوز از نتایج سحر است

همان طور که ظهورهای گذشته پس از سختی‌هایی بوده ، قطعاً این ظهور نیز پس از سختیها و شدتها خواهد بود . همیشه برقهها در ظلمتها می‌جهد . علی علیه السلام اشاره به ظهور مهدی موعود می‌کند و چنین می‌فرماید : «جنگ قد علم خواهد کرد در حالیکه دندان‌های خود را نشان می‌دهد . پستان هایش پر است و آماده است ، شروع کار شیرین است و عاقبت آن تلخ؛ همانا فردا و فردا چیزی ظاهر خواهد کرد که او را نمی‌شناسید و انتظارش را ندارید آن حاکم انقلابی هر یک از عمال حکومت های قبلی را به سزای خویش خواهد رسانید ، زمین پاره‌های جگر خود را از معادن و خیرات و برکات برای او بیرون خواهد آورد و کلیدهای خود را با تمکین به او تسلیم خواهد کرد . آن وقت به شما نشان خواهد داد که عدالت واقعی چیست و کتاب خدا و سنت پیامبر را احیاء خواهد کرد» .

علی علیه السلام نیز از یک آینده عبوس و خشمناک و جنگهای وحشت زا یاد می‌کند ولی علی در پایان این شب سیه، یک سفیدی میمونی را نوید می‌دهد . قرآن کریم هم می‌فرماید : " « و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عباد الصالحون »" یعنی ما از پیش اطلاع داده‌ایم که وارث اصلی زمین ، بندگان صالح و شایسته ما خواهند بود . برای همیشه زمین در اختیار ارباب شهوت و غضب و بندگان جاه و مقام و اسیران هوای نفس نخواهد بود . آری این است فلسفه بزرگ مهدویت ، در عین اینکه پیش‌بینی یک سلسله تکان های شدید و نابسامانی ها و کشتارها و بی‌عدالتی‌ها است ؛ پیش‌بینی یک آینده سعادت بخش و

پیروزی کامل عقل بر جهل ، توحید بر شرک ، ایمان بر شک ، عدالت بر ظلم ، سعادت بر شقاوت است . لهذا نوید و آرزو است . " « اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه تعز بها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله و تجعلنا فيها من الدعاه الي طاعتك و القاده الي سبيلك و ترزقنا بها كرامه الدنيا و الاخره » ."

اهل سنت و مهدي موعود (مهديت در نگاه روایات و باورهای اهل سنت):

اندیشه ظهور مهدي موعود- برخلاف پندار برخی- نه فقط ویژه شیعه نیست؛ بلکه بخش مهمی از باورهای اسلامی به شمار می آید، که برپایه بشارتهای پیامبر گرامی اسلام(ص) میان همه گروه ها و مذاهب اسلامی شکل گرفته است. در حوزه اعتقادات اسلامی، کمتر موضوعی را می توان یافت که تا این اندازه به آن اهمیت داده شده باشد، از این رو در اصل اعتقاد به ظهور مهدي موعود، نوعی اتفاق نظر و وحدت فکر، شکل گرفته است. بی گمان حضرت مهدي (عج) می آید، تا با بیدار کردن فطرت های خفته، زمینه را برای یکتا پرستی همگان که همانا هدف آفرینش بوده است، فراهم کند. او نه فقط هرگز برای پذیرش باور یکتا پرستی، کسی را تحت فشار و اجبار قرار نخواهد داد، بلکه با فراهم کردن بستر های لازم برای پذیرش این امانت الهی، شاهد شیرین خداپرستی را بین همه انسان ها، عادلانه تقسیم خواهد نمود. وی با ایجاد شرایط مناسب و از بین بردن موانع، همگان را به اندیشیدن در نشانه های الهی وخواهد داشت. و حاصل این اندیشیدن به مبدأ و معاد، ارمغانی جز پرستش حقیقی خداوند نخواهد داشت.

روشن است که با فراهم شدن تمام شرایط و رفع تمام موانع، آن کسی که سر تسلیم برابر حقیقت فرود نیاورد، کسی نیست مگر انسانی گستاخ و طغیانگر که با تمام قامت برابر حق به مقابله ایستاده است و بدون شک در چنان شرایطی، آن امام همام او را بر نخواهد تابید؛ از این رو است که روایات فراوانی یگانه دین مورد پذیرش در عصر ظهور را، همانا دین اسلام دانسته؛ می گوید: در عصر ظهور، ندای توحید در سراسر گیتی حکمفرما خواهد شد. امام حسین(ع) در وصف حضرت مهدي(عج) می فرماید: «خداوند، به وسیله او دین حق را بر تمام ادیان ظهور می بخشد؛ اگر چه مشرکان آن را نپسندند.» امام صادق(ع) نیز فرمود: «در آن هنگام که قائم قیام کند، هیچ سرزمینی باقی نخواهد ماند، مگر اینکه شهادت به توحید و نبوت در آن، ندا داده خواهد شد.

کشته شدن شیطان، حادثه ای مهم در عصر ظهور:

روایات درباره سرانجام شیطان، متفاوت است. از حضرت صادق(ع) درباره این گفته ابلیس پرسیده شد که «پروردگارا! پس مرا تا روزی که خلاق برانگیخته شوند، مهلت ده.» خداوند فرمود: «البته تو از مهلت داده شدگانی تا به روز و هنگام معلوم.» آن، چه روزی خواهد بود؟ فرمود: «آیا گمان می کنی آن، روز رستاخیز

بزرگ است؟ هرگز! بلکه خداوند او را تا روزی که قائم ما قیام کند، فرصت داده است. آنگاه قائم ما از پیشانی اش او را گرفته، گردنش را خواهد زد. آن هنگام، روزِ وقت معلوم است. بعید نیست مقصود از روایت، این باشد که با روشن شدن حقایق در عصر ظهور و رشد بسیار بالای عقلانی در آن عصر، دیگر مجالی برای اغوای شیطان باقی نخواهد ماند. البته در برخی روایات، هلاکت شیطان به دست پیامبر اکرم(ص) دانسته شده است.

دعای عهد از دعاهای سفارش شده برای تجدید عهد با امام غائب:

از دعاهای مشهور که خواندن آن در دوران غیبت حضرت مهدی(عج)، فراوان مورد سفارش قرار گرفته، دعای عهد است. این دعا، در بردارنده درود ویژه از طرف خواننده دعا و نیز از سوی تمام مردان و زنان با ایمان- در شرق و غرب جهان و خشکی و دریا، از پدر و مادر و فرزند خواننده دعا- به پیشگاه حضرت ولی عصر(عج) است. پس از آن، عهد و پیمان و بیعت با آن حضرت را تجدید می کند و پایداری بر این پیمان را تا روز قیامت اظهار می دارد. آنگاه از خداوند می خواهد که اگر مرگ وی فرا برسد، درحالی که امام زمان(عج) ظهور نکرده باشد، پس از ظهور، او را از قبر برآورد و به یاری آن حضرت، سعادت مند کند. بعد از آن، درخواست دیدار امام(عج) با عبارت ظریفی بیان شده است و دعا برای تعجیل ظهور و فرج و برپای حکومت راستین و سامان یافتن جهان و زنده شدن حقایق دین و اهل ایمان، پایان بخش این دعای شریف است.

امام صادق(ع) درباره این دعا فرموده است: هرکس چهل صبحگاه این دعا را بخواند، از یاوران حضرت قائم(عج) خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت، بمیرد، خدا او را زنده خواهد کرد، تا همراه آن حضرت جهاد نماید و به شماره هر کلمه از آن، هزار پاداش برایش نوشته می شود، و هزار کار بد از او پاک می گردد. مهمترین آثار مداومت بر این دعا سه چیز است:

1. ثواب کسانی را خواهد داشت که زمان ظهور، در خدمت امام(عج) می باشند.
2. تجدید عهد، مایه ثبات و کمال محبت و اخلاص و ایمان شخص می شود.
3. مایه توجه خاص و نظر رحمت کامل آن حضرت به بنده می شود.

ولایت فقیه استمرار ولایت علوی و مهدوی:

خداوند در آیه 59 سوره مبارکه نساء دستور به اطاعت مطلق از خدا، رسول خدا و اولوالامر(اوصیای پیامبر) می دهد که همان امامان معصوم علیهم السلام می باشند که اطاعت مطلق از آنان همتراز با اطاعت از خدا و رسول خدا شمرده شده است اگر ولی امر، معصوم از خطا و گناه نباشد محال است که خداوند اطاعت

مطلق از او را لازم بشمرد. از آنجایی که هر پیامبری از جهت عمر و امکانات، محدود است لذا برای محقق ساختن اهداف خود، به امر الهی جانشین خود را به مردم معرفی و مردم را به اطاعت از او سفارش می کند که اگر چنین نکند رسالتش را به انجام نرسانده است. (مائده-67) از سوی دیگر وجود امام در هر عصر و زمان تا روز قیامت برای هدایت انسانها به کمال، لازم و ضروری است زیرا قرآن کریم خطاب به پیامبر(ص) می فرماید " همانا تو انذاردهنده ای و برای هر قومی هدایت گری است." (رعد-7) و همچنین بر اساس روایاتی درباره سوره قدر، در شب قدر هر سال تا روز قیامت، فرشتگان بر امام زمان(عج) نازل می شوند و افزون بر آیات، از روایات فراوانی نیز استفاده می شود. از آن جا که در مدخل نیابت عام، به برخی روایات در این باره اشاره شد، این جا به صورت مختصر به دلیل عقلی اشاره می کنیم: از آن جا که در عصر غیبت، دسترسی به پیشوای معصوم علیهم السلام امکان پذیر نیست و تشکیل حکومت هم ضروری است، باید فردی ولایت و حکومت را بر عهده بگیرد. بدین منظور، سه راه پیش رو داریم: یا این که ولایت غیر فقیه را بپذیریم یا فقیه غیر عادل یا ولایت فقیه عادل را. عقل هر انسان حکم می کند غیر فقیه و فقیه غیر عادل شایسته ولایت و حکومت نیست؛ چرا که این جا تشکیل حکومت اسلامی مورد بحث است و برای پیاده کردن حکومت اسلامی و اجرای احکام دین، باید فردی زمام این امر را به عهده گیرد که به احکام اسلامی به طور ژرف و اساسی آشنا بوده و شیوه اداره حکومت را هم بداند در عین حال، پرهیزگار و متعهد باشد، تا امر حکومت را فدای خواسته های نفسانی و امیال شیطانی خود نکند. افزون بر آن، این که نه فقط درباره حکومت اسلامی، بلکه درباره هر حکومتی، عقل حکم می کند جاهلان، جاه طلبان و هوسرانان شایستگی زمامداری را ندارند؛ بنابراین فقیهیی که به احکام اسلامی و اوضاع سیاسی - اجتماعی زمان خود آگاه بوده؛ از تقوا و عدالت و تدبیر و مدیریت و کمالات لازم برخوردار باشد، برای حکومت، شایسته تر از دیگران است..

تاریخچه مسجد مقدس جمکران

مسجد مقدس جمکران در 6 کیلومتری شهر مقدس قم واقع شده و همواره پذیرای زائرینی از نقاط مختلف ایران و جهان می باشد. این مکان مقدس، تحت توجهات خاصه حضرت بقیه الله الاعظم(ارواحنا فداه) قرار دارد و آن حضرت از شیعیان شان خواسته اند که به این مکان مقدس روی آورند، چرا که این مکان، دارای زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده است. لذا سزاوار است که زائرین عزیز، از برکات این مکان مقدس، حداکثر استفاده را ببرند و مراقب باشند که مسائل فرعی توجه شان را به خود جلب نکند و خود را در برابر حضرت مهدی(ارواحنا فداه) حاضر ببینند و از انجام اعمالی که قلب مبارک آن حضرت را آزرده می سازد، خودداری کنند.

شایان توجه است که علما و شیفتگان آن حضرت، استفاده های فراوان از این مسجد مقدس برده اند. بنابراین این سعی کنید در این مکان مقدس، لحظاتی را با عزیز، خلوت کرده و خالصانه برای ظهور مقدس حضرتش دعا کنید، چرا که بر طرف شدن گرفتاری ها تنها با ظهور آقا امکان پذیر است.

شما ای زائران عزیز که به این محل نورانی مشرف می شوید! در نظر داشته باشید که مسجد مقدس جمکران، محل رفت و آمد امام مهدی (اوراحنا فداه) است و آن حضرت بر اعمال همه ما در این مکان نظارت دارند. لذا به گونه ای در این مسجد باشیم که آقا از ما خشنود شود و الطاف و عنایاتش شامل حال ما گردد.

شیخ حسن بن مثله جمکرانی، یکی از صلحا و سومین سفیر حسین بن روح نوبختی-یکی از نوآب اربعه- می گوید: من شب سه شنبه، 17 ماه مبارک رمضان سال 373 هجری قمری در خانه خود خوابیده بودم که ناگاه جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: برخیز و مولای خود- حضرت مهدی علیه السلام- را اجابت کن که تو را طلب نموده است. آنها مرا به محلی که اکنون مسجد جمکران است آوردند، چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرش نیکو بر آن تخت گسترده شده و جوانی سی ساله بر آن تخت، تکیه بر بالش کرده و پیرمردی هم نزد او نشسته است، آن پیر، حضرت خضر علیه السلام بود که مرا امر به نشستن نمود، حضرت مهدی علیه السلام مرا به نام خودم خواند و فرمود:

برو به حسن مسلم (که در این زمین کشاورزی می کند) بگو: این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده است، و دیگر نباید در آن کشاورزی کند. (زیرا زمین مسجد مقدس جمکران متعلق به حسن بن مسلم نبوده و او، این زمین را که همجوار زمین خودش بوده به زمین خود افزوده بود. و لذا به همین خاطر هم دو پسر جوانش از دنیا می روند ولی باز هم متنبه نمی شود!)

عرض کردم: یا سیدی و مولای! لازم است که من دلیل و نشانه ای داشته باشم و گرنه مردم حرف مرا قبول نمی کنند! آقا فرمود: تو برو و آن رسالت را انجام بده، ما نشانه هایی برای آن قرار می دهیم، و همچنین نزد سید ابوالحسن (یکی از علمای قم) برو و به او بگو: حسن مسلم را احضار کند و سود چند ساله را که از زمین به دست آورده است، وصول کند (و بازپس بگیرد) [چرا که آن سود متعلق به او نبوده است و غصبی است] و با آن پول، در این زمین مسجدی بنا نماید.

به مردم بگو: به این مکان رغبت کنند و آنرا عزیز دارند و چهار رکعت نماز در آن گزارند. [دو رکعت نماز تحیت و دو رکعت نماز امام زمان (عج).]

آنگاه امام علیه السلام فرمودند: هر که این دو رکعت نماز (امام زمان(عج)) را در این مکان (مسجد مقدس جمکران) بخواند مانند آن است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد. چون به راه افتادم، چند قدمی هنوز نرفته بودم که دوباره مرا باز خواندند و فرمودند: بزی در گله جعفر کاشانی است، آنرا خریداری کن و بدین مکان آور و آنرا بکش و بین بیماران انفاق کن، هر بیمار و مریضی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شفا دهد. حسن بن مثله جمکرانی می گوید: من به خانه بازگشتم و تمام شب را در اندیشه بودم، تا اینکه نماز صبح را خوانده و به سراغ علی المنذر رفتم و ماجرای شب گذشته را برای او نقل کردم و با او به همان مکان شب گذشته رفتیم، و در آنجا زنجیرهایی را دیدیم که طبق فرموده امام علیه السلام حدود بنای مسجد را نشان می داد. سپس به قم نزد سید ابوالحسن رضا رفتیم و چون به در خانه او رسیدیم، خادم او گفت: آیا تو از جمکران هستی؟ به او گفتم: بلی! خادم گفت: سید از سحر در انتظار تو است. آنگاه به درون خانه رفتیم و سید، مرا گرمی داشت و گفت: ای حسن بن مثله من در خواب بودم که شخصی به من گفت: حسن به مثله، از جمکران نزد تو می آید، هر چه او گوید، تصدیق کن و به قول او اعتماد نما، که سخن او سخن ماست و قول او را رد نکن. از هنگام بیدار شدن تا این ساعت منتظر تو بودم، آنگاه من ماجرای شب گذشته را برای وی تعریف کردم، سید بلافاصله فرمود تا اسب ها را زین نهادند و بیرون آوردند و سوار شدیم، چون به نزدیک روستای جمکران رسیدیم، گله جعفر کاشانی را دیدیم، آن بز از پس همه گوسفندان می آمد، چون به میان گله رفتم، همینکه بز مرا دید به طرف من دوید، جعفر سوگند یاد کرد که این بز در گله من نبوده و تاکنون آنرا ندیده بودم، به هر حال آن بز را به محل مسجد آورده و آن را ذبح کرده و هر بیماری که گوشت آن تناول کرد، با عنایت خداوند تبارک و تعالی و حضرت بقیه الله ارواحنا فداه شفا یافت.

ابوالحسن رضا، حسن مسلم را احضار کرده و منافع زمین را از او گرفت و مسجد جمکران را بنا کرد و آن را با چوب پوشانید. سپس زنجیرها و میخ ها را با خود به قم برد و در خانه خود گذاشت، هر بیمار و دردمندی که خود را به آن زنجیرها می مالید، خدای تعالی او را شفای عاجل می فرمود، پس از فوت سید ابوالحسن، آن زنجیرها ناپدید شد و دیگر کسی آنها را ندید.

تاکنون مسجد مقدس جمکران، مأوای منتظران و محل راز و نیاز میلیون ها عاشقی است که شکوائیه دوری از معشوق شان را به حضرت باری تعالی ارائه می دهند. در صحت اصل این مسجد شکی نیست ... و کرامات عذیده، مؤید این مسجد است. (تلخیص از کتاب نجم الثاقب، ص 383 تا 388)

چرا بهائیان را نجس می دانیم؟ از نظر اسلام دوستی و معاشرت با آنها چه حکمی دارد؟

الف. نجاست بهائیان

بر اساس آموزه‌های اسلامی کسی که منکر خدا باشد، یا برای خداوند متعال شریک قائل باشد و یا اینکه پیامبری حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را قبول نداشته و یا یکی از ضروریات دین مبین اسلام را منکر شود، کافر بوده و کافر هم، نجس است.

مطابق آیه شریفه "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ" [توبه -28] و روایات متعدد، نظیر روایت امام صادق (ع) که می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ دِينًا غَيْرَ دِينِ الْمُؤْمِنِينَ [اسلام] فَهُوَ مُشْرِكٌ».

بهائیان به دلیل عقاید ضاله و شرک‌آلود خویش، نجس می‌باشند؛ زیرا آنان از یک سو مدعی الوهیت و نبوت باب و بهاء بوده و منکر خاتمیت نبی مکرم اسلام هستند و از سوی دیگر منکر احکام ضروری دین مثل نماز، روزه و... بوده و دین اسلام را منسوخ می‌دانند و به علاوه، نه تنها منکر وجود نازنین حضرت بقیه‌الله الاعظم هستند، بلکه دشمن او نیز می‌باشند. در نتیجه به خاطر این عقاید آنها از منظر همه مسلمانان، کافر و نجس‌اند. چنانکه شورای فقه اسلامی در پنجمین اجلاس کنفرانس سران اسلامی سال 1987 میلادی (1365 شمسی) که در کویت برگزار شد، ضمن بررسی همه جانبه ادعاهای باب و بهاء و اظهارات کفرآمیز آنها، فرقه ضالّه بهائیت را تکفیر کرد و نظر خود را درباره این فرقه ضاله چنین بیان نمود:

«واجب است گروه‌های اسلامی در تمامی نقاط جهان، خطر این گروه و جریان الحادی را که دستیابی به اسلام را در ابعاد اعتقادات، احکام شریعت و حیات طیبه اسلامی مورد هجمه قرار داده است با تمام امکانات خود از بین ببرند.»

و مقرر دارد: «آنچه را که بهاء‌الله ادعا کرده از رسالت و نزول وحی و... تغییراتی را که به وجود آورده و در فروع دین به تواتر ثابت شده است، انکار ضروریات و مسلمات دین به شمار می‌رود و منکر این ضروریات به اجماع همه مسلمانان، مشمول احکام کفار می‌شود»

مجمع پژوهش‌های اسلامی دانشگاه الازهر مصر نیز با ارائه گزارشی، فرقه بهائیت را خدمتگزار صهیونیست و استعمار غرب، و عمل آنان را انتشار فتنه و آشوب میان امت اسلامی دانسته و با صدور فتوایی اعلام می‌نماید:

«بهائیت به هیچ وجه یک دین یا مذهب آسمانی نیست و اعتقادات آن از هرگونه تعالیم دینی به دور است و پیروان آن همگی گمراه و منحرف هستند هرکس دارای تفکر بهائی باشد، کافر است.»

همچنین دارالافتاء الازهر در فتوایی اعلام می‌کند:

«بهائیت یک فرقه و گروه مرتد از اسلام است، درست نیست که به آن ایمان آورد و با آنها مشارکت نمود و نسبت به ایجاد جمعیت‌ها و مؤسساتی که ایجاد می‌کنند نباید بی تفاوت بود و چشم پوشید. این به آن سبب

است که آنها براساس عقیده به حلول و تشریح غیر از آنچه خداوند نازل کرده و ادعای نبوت و حتی ادعای الوهیت به وجود آمده‌اند.»

از منظر فقهای شیعه و مراجع عظام تقلید نیز فرقه گمراه بهائیت کافر و محکوم به نجاست می‌باشند.

ب. دوستی با بهائیان

در آموزه‌های اسلامی از دوستی با کفار، نهی گردیده است. در قرآن با هشدارهای قاطعانه‌ای برمی‌خوریم که می‌فرماید: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ» (آل عمران-28) «مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان به دوستی بگیرند و هر که چنین کند در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست».

براین اساس دوستی و معاشرت با بهائیان جایز نیست، زیرا همانگونه که گذشت بهائی کافر و نجس است.

در حقیقت نجاست کافران و مشرکین یک نوع آلودگی باطنی و معنوی است که آثار آن به جسم آنها نیز سرایت کرده و فایده مهم پرهیز از آنها حفظ عقاید و اخلاق جامعه می‌باشد. خصوصاً افرادی که از توانائی دینی بالائی برخوردار نبوده و با آمیزش و معاشرت با افراد منحرف و گمراه، تحت تأثیر قرار گرفته و منحرف می‌شوند. بر این اساس معاشرت بدون ضابطه با آنان مشکلات فکری و اعتقادی را به همراه خواهد داشت.

امیرالمومنین علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «فاعلموا ان الهالك من هلك دينه و الحريب من حرب دينه؛ و بدانید که از میان رفته، کسی است که دینش از دست برود و دزد زده و بی چیز کسی است که دینش را از او ربوده باشند». به همین دلیل مصلحین و دلسوزان به افراد معمولی سفارش می‌کنند که از معاشرت با افراد گمراه و منحرف دوری کنند تا از انحراف و گمراهی محفوظ باشند. البته این سخن بدان معنا نیست که هیچ کس هیچ مراده‌ای با کفار نداشته باشد بلکه ارتباط عالمان و اندیشمندان دینی با دانشمندان کافر، امری مطلوب و چه بسا ضروری است؛ زیرا این مراده نه تنها تأثیری در عقاید علما و دانشمندان به وجود نمی‌آورد بلکه آنان می‌توانند با شیوه‌ها و دستورات عملی خاص که در اسلام بدان سفارش شده است به تغییر افکار دانشمندان کافر و نیز ترویج عقاید اسلامی اقدام نمایند.

نتیجه اینکه: عوامل استعماری جریان انحرافی بهائیت، به مرور و در مراحل مختلف، به منسوخ اعلام نمودن دین اسلام و نفی و انکار نبوت، امامت، معاد و تعالیم و قوانین و احکام مقدس و نورانی قرآن می‌پردازند. سپس ابتدا ادعای نیابت خاص حضرت حجت(عج) و در مرحله دوم ادعای مهدویت و پس از آن ادعای نبوت و مرحله آخر ادعای الوهیت و خدایی می‌نمایند! آنگاه به هدم و نابودی آثار اسلام یعنی کعبه و قبور انبیاء و امامان و مساجد فرمان می‌دهند و سپس به ساختن کعبه جدید! در شیراز اهتمام می‌ورزند و با آداب و

ادعیه و ذکر و زیارتنامه‌های استعمار ساخته به طواف به گرد آن می‌پردازند! احکام دین جدید را صادر و مطابق با خواست و اهداف استعمار، به رفع حجاب و پوشش زنان فرمان می‌دهند و دخالت در سیاست را - که آرزوی دیرینه قدرت‌های سلطه جهانی در مناطق اسلامی است که همواره از اصل ورود و دخالت در سیاست به عنوان یک تکلیف و وظیفه اسلامی ضربه خورده‌اند - ممنوع اعلام می‌نمایند!

بدین ترتیب همه زمینه‌ها آماده و مهیا می‌شود تا مبانی و ارکان اعتقادی و ارزش‌های اخلاقی و پایبندی‌های معنوی جامعه اسلامی متزلزل شده، وحدت و یکپارچگی مسلمانان در ایران به تفرقه و تشتت تبدیل گردد و از قدرت بی‌نظیر مذهب تشیع و مراکز علم و فقه و مراجع و فقها و علمای بیدار و آگاه که مدافعان راستین اسلام و سنگرهای مستحکم دفاع از هویت دینی و استقلال و شرف و اعتلا و اقتدار مسلمانان می‌باشند، کاسته شود و راه‌های تاخت و تاز و سلطه استعمار خارجی هموار گردد.

منابع مورد استفاده:

- 1- فرهنگنامه مهدویت - خدامراد سلیمیان - انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)
- 2- پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی - ج 35 - نشر معارف
- 3- امدادهای غیبی در زندگی بشر - استاد شهید مطهری - انتشارات صدرا
- 4- ملکوتی خاک نشین، سیری در زندگانی آیت‌ا. حاج شیخ محمد تقی بهلول - اثر سید عباس موسوی مطلق - انتشارات هنارس
- 5- سایت الشیعه

کمیته فرهنگی بیمارستان مهدیه - شب نیمه شعبان سال 1400